انترناسیونال ٧٢٧

محسن ابراهیمی

**پاکسازی مذهبی - قومی در میانمار!**

**از حق شهروندی یک میلیون انسان باید دفاع کنیم!**

در حال حاضر جمعیتی قریب به یک میلیون نفر در ایالت راخین در کشورمیانمار (برمه سابق) زندگی میکنند. آنها شهروند هیچ جایی از جهان محسوب نمیشوند. بر پیشانی این جمعیت وسیع مهری به نام "اقلیت مسلمان روهینگیا" کوبیده شده است. مردمی که سابقه حضورشان در منطقه به صدها سال برمیگردد، کارگران مهاجری که استعمار انگلستان از مناطق مختلف هند و بنگلادش امروز به این مناطق کوچ داده بود و انسانهایی که بعد از استقلال برمه توسط دولت جدید غیرقانونی اعلام شدند و ٣٥ سال پیش با یک چرخش قلم نظامیان حاکم رسما شهروندیشان لغو شد و علنا از ابتدایی ترین حقوق انسانی محروم شدند.

"اقلیت مسلمان روهینگیا" سالهای طولانی است که توسط دسته های مسلح مذهبی بودایی و نیروهای امنیتی میانمار مورد تعقیب و آزار هستند. اخبار و عکسها و ویدیو کلیپهایی که در سطح جهان منتشر شده است حاکی از این است که نیروهای امنیتی و شبه نظامیان مسلح بودیست به طور سیستماتیک این مردم را می کشند، به زنان تجاوز میکنند، قربانیان را مثله میکنند و حتی به کودکان هم رحم نمیکنند. در مقابل توحش نظامیان و بودیستها، خوش شانس ترین این مردم خانه ها و مزارع و دامهای به آتش کشیده شده شان را رها کنند و در مقیاسی صدها هزار نفره به سمت بنگلادش فرار میکنند و در منطقه ای میان میانمار و بنگلادش در کام مرگ از بیماری و گرسنگی رها میشوند.

در ایالت راخین سالهاست که یک پاکسازی مذهبی - قومی در جریان است. شبیه همان پاکسازیهایی که در رواندا و یوگسلاوی و عراق و سوریه در جریان است. این بار آدمشکان قمه بدستان بودایی هستند که در معیت نظامیان تا دندان مسلح انسانهایی را به جرم متولد شدن در خانواده ای "مسلمان و روهینگیایی" سر به نیست میکنند.

فراموش نکنید که این قتل عام قومی - مذهبی زیر نگاه سمپاتیک "آنگ سان سوچی" رخ میدهد که جایزه صلح نوبل را زیر بغل دارد و دول سرمایه داری غرب سالها زیر بغلش را گرفتند تا به نام حقوق بشر و دمکراسی بحران سیاسی و حکومتی در میانمار را به سر و سامان برساند. کسی که با پیام "اتحاد، نظم، عشق" که ظاهرا از اعتقاد عمیقش به آیین بودا الهام گرفته است، سر مردم را کلاه گذاشت و به نام نمایندگی آنان جایی در کنار نظامیان پیدا کرد تا طبقه کارگر و مردم محروم میانمار را به نام "دمکراسی و حقوق بشر" به قربانگاه ریاضت اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول هدایت کند.

فقط در دنیایی که سرمایه داری جهانی تا خرخره در بحران است، و شب و روز مشغول مهندسی نیروهای درنده اسلامی و ملی و قومی و انداختنشان به جان مردم جهان است، میتوان انتظار داشت که گل سرسبد "دمکراسی و حقوق بشر" در آسیای دور جایزه صلح نوبل را زیر بغل بگیرد و بدون کوچکترین احساسی شانه بالا بیاندازد و نظامیان و اعمال جنایتکارانه بودیستها را با یک لفاظی حقوقی توجیه کند. به خاطرتان میاورم که این "بانوی گل به سر" دول غرب که قرار بود قهرمان "دمکراسی و حقوق بشر" در میانمار باشد بی آنکه ذره ای شرم کند چشم در چشم خبرنگاران دوخت و گفت: "به نظرم عبارت پاکسازی قومی قوی تر از آن است که برای توضیح وقایع آنجا مناسب باشد"! و سخنگوی حزب تحت رهبریش هم خطاب به جهانیان اعلام میدارد که "این اتفاقات یک موضوع داخلی است و موضوعی بین‌المللی نیست".

مردم آرخین میانمار قربانیان توحش مذهبی - قومی هستند که در همه جای دنیا سازمانهای مذهبی و قومی و حکومتهای پشتیبانشان علیه بخشهای مختلف بشریت امروز راه انداخته اند. این کشتار ادامه قتل عام در رواندا و یوگسلاوی و افغانستان و عراق و سوریه است. همانطور که در یک سکوت جهانی میلیونها انسان در رواندا به خون کشیده شدند؛ همانطور که زندگی مردم یوگسلاوی را با کشتار مذهبی و قومی ویران کردند و البته بعدا، مهندسین این کشتار، در نقش ناجی قربابنیانشان ظاهر شدند؛ همانطور که داعش در سکوت بین المللی، کاروان نظامیش را به عراق و موصل سرازیر کرد و جنایات کم سابقه ای مرتکب شد؛ کشتار "اقلیت مسلمان روهنیگیا" هم جلوه ای دیگر از همین سلسله توحش مذهبی- قومی است که امروز در سکوت دول سرمایه داری جهان و با نظارت کامل آنگ سان سوچی حقوق بشری و نظامیان حاکم بدست و مذهبیون مرتجع پیش میرود.

مردم تحت ستم آرخین در میانمار قربانیان همان جنایاتی هستند که نمونه ههای آن در همه نقاط جهان توسط دسته های مذهبی - قومی اتفاق میافتد. در میانمار هم مثل همه دنیا سازماندهنگان و مهندسین این نسل کشی حکومتهایی هستند که وظیفه مستقمیشان سازماندهی چپاول طبقه کارگر و ثروت اندوزی اقلیت میلیاردر است. حکومتهایی که به یمن اعتراضات اکثریت عظیم کارگران و توده های ستمکش غرق بحران هستند و برای رهایی از آن، به مهندسی و سازمان دادن ارتجاعی ترین و خونریزترین نیروهای مذهبی و قومی پناه برده اند.

طبقه حاکم میانمار سالها بود که به دلیل اعتراضات گسترده مردمی غرق بحران طبقاتی و سیاسی بود. آنگ سان سوچی که گویا عمیقا تحت تاثیر پیام "صلح و عشق بودا" هست، در بطن این بحران طبقاتی - حکومتی بود که به کمک دول غرب برای رفع این بحران حدادی شد و با یک بند و بست سیاسی شریک قدرت شد. و امروز هم در معیت دیکتاتورهای نظامی سابق و دمکراتهای امروز به همان کاری مشغول است که به خاطرش شریک قدرت سیاسی شده است. این وسط، "اقلیت مسلمان روهینگیا" قربانیان پروژه رفع بحران حکومتی هستند که با همدستی نظامیان و "بانوی گل به سر" صاحب جایزه صلح نوبل پیش میرود.

مثل همه جای دنیا، توهم است اگر کسی تصور کند که دولتهای سرمایه داری جهان که خودشان نقش اصلی در راه انداختن وحوش مذهبی - قومی را دارند، مردم ستمدیده ایالت راخین را از جنایات دسته های بودایی و نیروهای امنیتی میانمار نجات دهند. مثل همه دنیا رهایی از این توحش فقط و فقط زمانی و به درجه ای، امکانپذیر است که کارگران و نیروهای پیشرو این جوامع با پرچم آزادی و برابری برای همه شهروندان پا به میدان بگذارند و صحنه سیاسی را از همه این نیروهای قرون وسطایی نجات دهند.

اما در کوتاه مدت این وظیفه همه انسانهای آزادیخواه، همه انسانهای برابری طلب، همه انسانهای نوعدوست در سطح جهان است که به جنایت و نسل کشی در میانمار اعتراض کنند؛ به نقش مستقیم و غیرمستقیم دولتهای متبوعه شان در این جنایت اعتراض کنند و این دولتها را در قبال هرگونه بند و بست سیاسی با نظامیان خونریز میانمار و "بانوی صلح و عشق" و برنده جایزه صلح نوبل محکوم کنند. سازمانها و نهادهای بین الملی را زیر فشار اعتراض وسیعشان مجبور کنند تا با دخالت فعال مانع شوند تا "اقلیت مسلمان روهینگیا" قربانی دست و پا بسته یک پاکسازی قومی - مذهبی شوند. \*

توضیح: در میانمار، در متن شرایطی که در این مطلب خیلی مختصر به آن اشاره شده است، گروهی به نام "ارتش رهایی‌بخش روهینگیای آراکان (ARSA)" فعال شده است که سرکرده اش فردی به نام "عطاالله ابو عمار جونونی" است. ایشان را بعضی رسانه ها مخصوصا رسانه های سر به حکومت اسلامی ایران "یک روهینگیایی متولد پاکستان معرفی میکنند که در مکه بزرگ شده است و دارای ملیت سعودی است" که گویا عربستان سعودی با حمایت از او و شبه‌نظامیانش از حوادث آرخین در جهت منافع خود بهره‌برداری می‌کند.

جدا از صحت و سقم این تصویر، روشن است که هر جا مردمی منسوب به "مسلمان" توسط نیروهایی که آنها هم رنگ مذهبی وقومی دارند - اینجا دسته های بودیست - مورد تعرض قرار میگیرند، حتما سر وکله نیروهای مذهبی و قومی دیگر و دولتهای حامیشان هم پیدا میشود. تردیدی نیست که نیروهای تروریست اسلامی روی شرایط میانمار حساب باز کرده اند و تلاش خواهند کرد چترشان را روی درد و رنج این مردم محروم باز کنند. روشن است که شاخه های سنی و شیعی تروریسم اسلامی که در جهان فعالند مثل همه جای دنیا میخواهند در این کشمکش خونین جایی برای نقشه های شومشان پیدا کنند. آنچه مهم است باید حساب توده های وسیع منتسب به "اقلیت مسلمان روهینگیایی" را از این دار و دسته های اسلامی جدا کرد. آنها قربانیان این کشمکش ارتجاعی و خونین هستند و باید با صراحت از حقوق انسانیشان دفاع کرد.